

دعوی جمعی عام بر مدار خواندگان و اشخاص همگروه آنها

فریدون نهرینی^۱، صمد یوسفزاده^{۲*}

۱. دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰)

General Class Action on the Orbit of the Defendants and Their Teammate Persons

Fereidoon Nahreini¹, Samad Yousefzadeh^{*2}

1. Associate Professor of Private Law, Tehran University, Tehran, Iran

2. Ph.D. in Private Law, Tehran University, Tehran, Iran

(Received: 13/Feb/2019

Accepted: 21/Nov/2022)

Abstract

In the main suit and ancillary suit, what is most noticeable is the confrontation of one or more plaintiffs against one or more defendants, or the entry and attraction of a person or third parties to the main litigation. The question is, according to the rules governing litigation, can a large number of persons be used as a party to the litigation (plaintiffs or defendants), without all of them participating directly in the proceedings? Article 74 of the Code of Civil Procedure has implicitly identified a form of civil litigation. This type of claims applies to certain non-enclosed people from a village or part of the city, but plaintiff only one or a few of them will be listed in his petition as a defendant. This claim is generally considered to be plaintiff and their teammate, and in particular, such as claims related to consumer rights (According to Article 48 of the e-commerce law, approved by the Islamic Consultative Assembly of Iran on February 17, 2002), are focused on claimants. It should be noted that, this type of lawsuit has the official name in foreign law, especially American law, as a class action. This article proves the necessity of such a lawsuit by focusing on the readers and their teammate.

Keywords: Class Action, Plaintiffs, Defendants, Legal procedure.

چکیده

در دعوی اصلی و طاری آنچه بیشتر به چشم می‌آید، تقابل یک یا چند خواهان در برابر یک یا چند خوانده و یا ورود و جلب شخص یا اشخاص ثالثی به دعوی اصلی است. پرسش آن است که آیا وفق آیین حاکم بر دعوا می‌توان از شمار زیادی از اشخاص به عنوان یک طرف دعوا (خواهان‌ها یا خواندگان) بهره برد، بدون اینکه همه ایشان به طور مستقیم در دادرسی شرکت نمایند؟ ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، به نحو تلویحی حکایت از شناسایی یک نوع از دعوی مدنی می‌نماید که متوجه اهالی غیر محصور معین از ده یا بخشی از شهر است و خواهان، صرفاً یک یا چند شخص از آنها را در دادخواست به عنوان معارض خود معرفی کرده است. با توجه به ماده یادشده، این نوع دعوا به صورت عام، بر مدار خواندگان و اشخاص همگروه آنها است و استثنائاً با توجه به قانون خاص مانند ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک در خصوص دعاوی مربوط به حقوق مصرف‌کننده متمرکز شده و بدین ترتیب واجد اسم و رسمی در حقوق خارجی، به‌ویژه حقوق آمریکا با عنوان دعوی جمعی شده است. این مقاله در اثبات ضرورت وجودی چنین دعوایی با تمرکز بر خواندگان و اشخاص همگروه آنها است.

کلیدواژه‌ها: دعوی جمعی - گروهی، خواهان‌ها، خواندگان، دادرسی.

مقدمه

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در ماده ۷۴ در خصوص ابلاغ اوراق دعوا فرضی از یک نوع دعوای مدنی را پیش‌بینی کرده که متوجه اهالی معین از یک ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها نامحصور است. این ماده مقرر می‌دارد:

«در دعوای راجع به اهالی معین از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها غیر محصور است، علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آنها را معارض خود معرفی می‌کند، ابلاغ می‌شود.»

این دعوا که با یک دعوای مدنی عادی تفاوت‌هایی دارد، در حقوق خارجی با عنوان دعوای جمعی و یا سایر عناوین مشابه مسبوق به سابقه است. با این توضیح که این نوع دعوا که در دادگاه‌های فدرال متداول شده، عبارت از اقامه دعوا از سوی یا به طرفیت شمار بسیاری از افراد یا سازمان‌هایی است که منافع آنها، به گونه‌ای با همدیگر مرتبط است که قضاوت راجع به حقوق یا مسئولیت‌های آنها، به طور توأم و در یک دعوا، کارآمدتر از مجموعه‌ای از دادرسی‌های انفرادی است. از این اجتماع دعوای انفرادی در قالب یک دعوای کارآمد با عنوان دعوای جمعی، به زبان طنز هیولای فرانکشتاین^۱ یاد می‌شود. (Miller, 1985: 722). با این مقدمه سعی بر این است که با ارائه تعریفی از این نوع دعوا، ضرورت پیدایش، فواید، معایب، مصادیق، شرایط و قوانین مربوطه و همچنین آثار آن از نظر نظام دادرسی مدنی در حقوق ایران و حقوق خارجی مورد مطالعه قرار گیرد تا پاسخ داده شود که آیا وفق آیین حاکم بر دعوا می‌توان از شمار زیادی از اشخاص به عنوان یک طرف دعوا (خواهان‌ها یا خواندگان) بهره برد، بدون اینکه همه ایشان به طور مستقیم در دادرسی شرکت نمایند؟

تعریف دعوای جمعی و عناصر آن

دعوای جمعی عبارت است از دعوای اصلی یک انجمن قانونی و مدنی یا یک یا چند شخص (خواهان/خواهان‌ها) به طرفیت چند نفر از جمعی نامحصور از اهالی معین یک ده یا بخشی از شهر، به عنوان اصیل و به نمایندگی از سوی دیگر اشخاص

جمع مزبور و دعوای تقابل آن چند نفر از جمع نامحصور به عنوان اصیل و به نمایندگی از سوی دیگر اشخاص آن جمع، در خصوص حقوقی از یک نوع، اعم از اینکه منشأ آن حقوق واحد باشد یا نباشد. نکات مهم این تعریف با عنوان عناصر تعریف دعوا عبارت‌اند از:

۱. معین بودن جمع یا گروه: منظور از معین بودن اهالی

یا اعضای جمع، قرار گرفتن در یک مکان مشخص قابل تفکیک از سایر مکان‌ها در ده یا بخشی از شهر است. به عنوان مثال تقسیم روستا به بخش سفلی و علیا و پایین‌دستی و بالادستی رودخانه یا تقسیم شهر به مناطق متعدد بر اساس نام سابق روستاهایی که به دلیل گسترش شهرها به عنوان بخشی از شهر درآمده‌اند، مانند شمیران، از این دست است. حتی در وضع فعلی مجتمع‌های بزرگ مسکونی که هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود، کاملاً منطبق با قید بخشی از شهر است که هم در ماده ۷۴ قانون آ.د.م مدنی بدان تصریح شده و هم در تعریف گنجانده شده است.

۲. نامحصور بودن اهالی مکان معین: نامحصور بودن

در این مقام به معنای نامحصور بودن نیست، بلکه منظور از آن کثرت افراد جمع و تعدد شناسایی مشخصات آنها از نظر عرف است. بنابراین، چنانچه محدوده جغرافیایی استقرار آنها مشخص، ولی شناسایی همه آنها در نظر عرف به دلیل کثرت تعداد و حتی موانع دیگر متعذر باشد، از نظر قانونی نامحصور تلقی می‌شود.

۳. نمایندگی چند نفر (خواندگان) مشخص از اعضای

دیگر جمع: اگرچه نمایندگی چند نفر از سایر اعضای جمع در ماده ۷۴ قانون آ.د.م در دعوای جمعی یک فرض قانونی است، ولی فرضی استثنایی محسوب می‌شود و برخلاف اماره، اثبات خلاف فرض از نظر قانونی امکان‌پذیر و پذیرفته نیست. بنابراین، در این دعوا، نه خواهان و نه حتی دادگاه رسیدگی‌کننده به هیچ‌وجه نمی‌توانند دفاعیات چند نفر از اعضای جمع را که نام و مشخصات آنها در دادخواست به عنوان خوانده قید شده، در مورد دیگر افراد جمع به بهانه نداشتن سمت (نمایندگی قراردادی و وکالت) بی‌پاسخ گذاشته و استماع ننموده و آثار حکم صادره را محدود به آنها و نه دیگر اعضای گروه نمایند، اما در این روند، پرداختن به چند نکته ضرورت دارد: نکته اول اینکه در صورتی که هرکدام از خواندگان مذکور در دادخواست به جلسه دادگاه دعوت نشوند، یا اینکه اختاریه دعوت به جلسه دادرسی به یکی از آنها ابلاغ نشود، تشکیل جلسه دادرسی از جهت رعایت حقوق دفاعی خواندگان و جاهد قانونی نداشته و

1. Frankenstein monster

پاسخ از دعواست و این امر منطبق است با قاعده «اذن در شیء» (اذن در لوازم آن نیز است).

نکته ششم، حقوق موضوع ادعا، در دعوی جمعی لزوماً از حقوقی است همجنس و یکسان که منشأ آنها یک نوع عمل یا واقعه حقوقی با شرایط واحد است، اعم از اینکه یک دفعه و با یک اقدام جمعی صورت گرفته باشد یا به دفعات متعدد. بنابراین، نظر قضایی و شرایط رسیدگی، بیش از یک نوع رسیدگی را نمی‌طلبند. به همین علت، حکم صادره از دادگاه در پرونده، نسبت به فرد به فرد افراد جمع (اعم از مذکور و غیر مذکور در دادخواست) معتبر بوده و به اجرا درمی‌آید. مطلب قابل ذکر در اینجا، توجه به این نکته است که حکم صادره از دادگاه در مورد همه افراد جمع، از نظر استحقاق یا عدم استحقاق، الزاماً نباید یکسان باشد. به طور مثال اگر دعوی خلع ید به طرفیت اهالی غیر محصور یک بخش از یک شهر، به سبب ادعای غصب مطرح شود، این امکان وجود دارد که دادگاه در نهایت حکم به بی‌حقی خواهان نسبت به یک یا چند نفر از اهالی - اعم از اینکه که نام آنها در دادخواست به عنوان خواننده ذکر شده، یا نشده باشد - صادر کند. در حقوق آمریکا، دادرسی دعوی جمعی چنین تعریف شده است که:

«نوعی از آیین دادرسی است که امکان رسیدگی و فصل خصومت نسبت به ادعاهای عده‌ای از اشخاص (خواهان‌های متعدد)، به طرفیت یک شخص (خواننده واحد) را به شکل یک دعوا فراهم می‌نماید. در این نوع دعوا، شخص واحد یا اشخاص متعدد (خواهان / خواهان‌های اصلی یا نماینده/نماینده‌ها)، با سمت اصیل و با نمایندگی از طرف دیگر افراد (که در گروه واحد هستند)، مبادرت به طرح دعوی می‌نمایند. اشخاص مزبور از جهت اینکه خواننده دست به عمل واحد یا اعمال مشابه خلاف قانونی زده است، ادعای حقی دارند که مربوط به خواسته‌های خواهان‌ها نیز است. طرف دعوا در این روش دادرسی منحصراً خواهان / خواهان‌های اصلی هستند و به دلیل مجهول بودن هویت دقیق اعضای گروه، آنها فقط توصیف می‌شوند.» (Mullheron, 2004: 3)

این تعریف با تکیه بر نوع و چگونگی دادرسی دعوی جمعی، شکل این نوع دعوا را نیز نمایان می‌سازد. کتاب فرهنگ حقوقی بلک نیز برای دعوی جمعی تعریفی ارائه می‌دهد؛ بدین مضمون که «دعوی گروه یا طبقه، امکان و وسیله‌ای مهیا می‌کند تا با توسل به آن، زمانی که جمع کثیری از اشخاص که نفعی (به صورت واحد و مشترک) در موضوعی دارند، یک یا تعدادی از آنها امکان یابند که با سمت نماینده یا

بی‌اعتبار است، حتی اگر نمایندگی هر کدام از آنها از اعضای غیر مذکور در دادخواست منفرداً محسوب شود؛ زیرا که درجه تأثیر مدافعات هر کدام از خوانندگان به عنوان اصیل و نماینده، با توجه به تفاوت و کیفیت و کمیت دلایل در اختیار و اطلاعات و تسلط در دفاع و سایر عوامل موثر در قضیه از فردی به فرد دیگر متفاوت است.

نکته دوم اینکه، چنانچه شخصی که نام وی در دادخواست از بین چند نفری که به طور مشخص نام آنها در دادخواست به عنوان خواننده قید شده، نباشد، با حضور در جلسه دادرسی بخواهد مدافعات و دلایلی را در رد ادعای خواهان ارائه کند، دادگاه نباید مدافعات وی را استماع نماید، حتی اگر توسط خوانندگان حاضر در جلسه تأیید شود که یکی از اعضای جمع است، بلکه باید ابتدا با دلیل احراز نماید که یکی از اعضای جمعی است که دعوا به طرفیت آن طرح شده است، ولی این امر مانع از آن نیست که خوانندگان مذکور در دادخواست به نحوی از انحاء مختلف قانونی با توسل به اطلاعات او به عنوان مطلع، شاهد و دلایل و مدارکی که در اختیار دارد، به مدافعات خود در دادگاه استحکام بخشند. دادگاه نیز مکلف به پذیرش این دلایل از آنها است.

نکته سوم اینکه، هر کدام از اعضای جمع غیر مذکور در دادخواست که شخصاً در دادگاه برای دفاع حاضر شده و در امر دفاع و پاسخ از دعوا به همراه دیگر خوانندگان مذکور در دادخواست مشارکت نمود، نیز به عنوان اصیل و نماینده و شخص ذی‌سمت - به شرطی که اقامتگاه خود را به دادگاه اعلام کرده باشد - باید از طریق ارسال اخطاریه، به جلسات دادرسی دعوت و تصمیمات و رأی به او ابلاغ شود.

نکته چهارم اینکه، اگر خوانندگان حاضر در مراحل طرق رسیدگی عادی، به علت فقدان دلایل کافی، بی‌حقی خواهان را ثابت نمایند، ولی وجود دلیلی متقن در نزد یکی از اعضای گروه را که بی‌اطلاع از آن بوده، کشف نمایند، می‌توانند به استناد مقررات مربوط قانون آ.د.م از حکم قطعی صادره درخواست اعاده دادرسی نمایند. بدیهی است که تمامی اعضای جمع نیز در صورت کشف دلیل جدید می‌توانند شخصاً و مستقلاً به این امر مبادرت نمایند.

نکته پنجم اینکه، نتیجه منطقی اذن در دفاع و دادن پاسخ به دعوا از طریق فرض نمایندگی قانونی برای خوانندگان مذکور در دادخواست، از سوی خوانندگان غیر مذکور در دادخواست مربوط به دعوی جمعی، پذیرش نمایندگی آنها در طرح دعوی تقابل نیز است؛ زیرا که طرح دعوی تقابل نیز از لوازم دفاع و

شدن به عنوان نماینده منافع افراد غایب، با وجود تفاوت از یک دادگاه نسبت به دادگاه دیگر و از یک گروه نسبت به گروه دیگر بین ۴۰ و ۱۰۰ عضو یک گروه در نوسان است. (Okley & Amar, 2009: 132)

دعوای جمعی به صورت سنتی، بدین نحو است که یک یا چند ذینفع که بنا به فرض قانونی نماینده یا قائم مقام دیگر افراد جمع هستند، به طرح دعوا اصالتاً از طرف خود و به نمایندگی از سوی دیگران مبادرت نموده و مداخله می‌نمایند. این نمایندگی در طرح دعوا و مداخله در آن زایل نمی‌شود، مگر اینکه اشخاص ذینفع غایب، در مهلت قانونی تعیین شده انصراف خود را پس از آگاهی از این دعوای در جریان رسیدگی اعلام نمایند تا رأی صادره در مورد آنها بی‌اعتبار و غیر قابل اجرا باشد. برای طرح این دعوا، توافق وکیل و موکل به استحقاق وکیل به دریافت حق الوکاله به میزان چند برابر تعرفه و یا در صدی از محکوم‌به، مشروط به صدور حکم به نفع موکل و عدم تعلق حق الوکاله در صورت رد ادعا، با تأیید دادگاه نسبت به تمام اشخاص جمع به عنوان ذینفع الزام‌آور است. تقویم خواسته در این دعوا نه به صورت دقیق، بلکه به صورت علی‌الحساب (برای به جریان افتادن آن) وافی به مقصود است. (Mattil & Desoutter, 2008: 484)

اما از دیدگاه معاصر، زمانی که عرضه‌کننده کالا فعل زیان‌باری را در حد وسیع مرتکب و بدین‌وسیله موجب ورود خسارت به مصرف‌کنندگان می‌شود، امکان طرح دعوای جمعی به وجود می‌آید. (Heureux, 1992: 447) ظهور و رشد صنایع و معاملات و ارتباطات در فضای واقعی و الکترونیک و حقوق ناشی از این وقایع، مانند حقوق مصرف‌کنندگان ضرورت حمایت از آنها در مقابل تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاهای صنعتی از طریق قانونگذاری و ایجاد سازمان‌های قانونی مدنی تعقیب‌کننده و مدافع مربوطه در جوامع معاصر نیز خاستگاه دیگری برای نوعی دیگر از دعوای جمعی است. در این خصوص می‌توان از ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ در رابطه با حقوق مصرف‌کننده یاد نمود که در جای خود از آن به صورت مشروح سخن به میان خواهد آمد. کشور آمریکا، دارای سابقه‌ای دیرینه در خصوص دعوای جمعی بوده و از قواعد و کاربرد کامل شناخته‌شده‌ای برخوردار است. ماده ۲۳ اصول دادرسی مدنی فدرال ایالت متحده، حاوی قواعد حاکم بر دعوای مزبور است. در این کشور، دعوای

نمایندگان گروه یا طبقه مبادرت به اقامه دعوا نمایند یا طرف دعوا قرار گیرند، بدون وجود نیاز به همراهی و منضم شدن هر یک از اعضای طبقه یا گروه. (Black: 312)

در هر دو تعریف ملاحظه می‌شود که دعوا به اعتبار خواهان‌ها یا خواندگان که متعدد و یک گروه و جمع را تشکیل می‌دهند، دعوای جمعی و گروهی است. در حقوق ایران هم به اعتبار خواهان‌ها در موارد مصرح قانونی مثل حقوق مصرف‌کننده مطابق با ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک و هم به اعتبار خواندگان غیر محصور می‌توان دعوا را جمعی خواند.

ضرورت پیدایش دعوای جمعی و خاستگاه آن

ضرورت پیدایش دعوای جمعی و خاستگاه آن از دو جایگاه سنتی و معاصر قابل بررسی است. با این توضیح که وجود حقوقی مانند حق ارتفاق بر ممر یا مجرای آبی که از اراضی دو یا چند شهر یا روستا یا منطقه می‌گذرد (ماده ۲۳ قانون ثبت) و اختلافات ناشی از نحوه و زمان و میزان استفاده از آن بین افراد آن دو شهر یا روستا یا هم‌دیگر به عنوان دارندگان حق ارتفاق در آن ممر و مجرای آب که این اختلافات در عمل ناشی از کمبود فصلی آب یا زیاده‌خواهی و انگیزه‌های ستیزه‌جویانه واقع شده و می‌شود، ضرورت وجود و خاستگاه سنتی دعوای جمعی است.

پیشینه دعوای جمعی معاصر، رویه ابداعی توسط دادگاه انصاف انگلستان در قرن ۱۷ و ۱۸، موسوم به سند / لایحه صلح^۱ است (en.m.wikipedia.org) و بدین ترتیب، با توسل به این روش، دادخواهی شماری از افراد با ادعاهای کوچک و جزئی که دارای منافع مشترک هستند، تسهیل و میسر شد. به همین ترتیب گروه مشابه از مقصرین از تعقیب قانونی مصون نماندند. صلح‌نامه در صورتی مجاز شمرده می‌شود که خواهان قادر به اثبات این موضوع باشد که به دلیل ابعاد وسیع گروه، ورود در دعوا و یا حسب مورد ادغام خواهان‌ها و خواندگان غیر ممکن بوده و دیگر اینکه تمام اشخاص ذینفع در یک موضوع که به طور توأم مورد ترافع قرار گرفته‌اند و شرکت‌کنندگان حاضر در دعوا به تعدادی هستند که نماینده منافع افراد غایب تلقی می‌گردند. (H. Friedenthal; Kay Kane & R. Miller, 1985: 722) در حال حاضر حداقل تعداد لازم گروه حاضر در دادرسی برای تلقی

1. bill of peace

می‌شود، اما رسیدگی به همه آن دعاوی در یک دادگاه به صورت تخصصی و تحت عنوان دعوی جمعی، نه تنها مشکلات تعقیب و رسیدگی قضایی را از سر راه زیان‌دیده‌ها، مرجع دادگستری، دولت و بودجه عمومی برمی‌دارد، بلکه موجب تحقق عدالت و بازدارندگی و اصلاح رفتار عامل زیان می‌گردد. (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷ و ۱۲۸) دیگر اینکه دعوی جمعی از چهار منظر دارای اثر مثبت در حصول عدالت است که عبارت‌اند از اینکه اولاً، قواعد و مقررات ماهوی حمایت از مصرف‌کنندگان را در مرحله اجرا مؤثر می‌سازد. ثانیاً، از نظر هزینه‌های دادرسی، از موانع شکلی می‌کاهد. ثالثاً، در بین اصحاب دعوا و روابط مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان موجب تعادل می‌شود. رابعاً، سرعت در رسیدگی و کم بودن هزینه رسیدگی تضمین شده است. (Mulheron, 2004: 23-)

54^۲

ایرادات وارده بر دعوی جمعی

می‌دانیم که طرح یک دعوا در شرایط عادی، جز با اراده خواهان صورت نمی‌گیرد، ولی در دعوی جمعی، اشخاصی بدون اینکه اراده طرح دعوا کنند و نامشان در دادخواست قید گردد، ناخواسته در زمره اصحاب دعوا قرار گرفته و آثار حکم دادگاه اثباتاً یا نفیاً دامنگیر آنها می‌شود، حال اینکه که در نبود منشأ واحد در دعوی متعدد، امکان طرح هر یک از آنها به صورت مستقل وجود دارد و با طرح و رسیدگی به آنها به صورت مستقل، اثر حکم صادره که به جهت بی‌مبالاتی در دفاع به محکومیت منجر شده - به عنوان مثال، از جهت اعتبار امر قضاوت شده - فقط محدود به اشخاصی می‌شود که در دعوا دخالت داشته‌اند، نه دیگران. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که دعوی جمعی نه تنها سازگار با اصول شناخته‌شده دادرسی نیست (Tiana, Ibid, 2010: 140-150)، بلکه با آنها در تعارض است. این اصول عبارت‌اند از: ۱- اصل شخصی بودن طرح دعوا برابر اصل ۳۴ قانون اساسی و ماده ۲ و بند ۲ از ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛ ۲- اصل لزوم تقابلی بودن دعوا برای تعیین اصحاب آن و در نتیجه تحقق امکان ابلاغ و تدارک دفاع؛ ۳- اصل استقلال دعوی از همدیگر از

جمعی، قالب پیشرفته‌ای از قاعده لزوم رسیدگی همزمان^۱ بوده که اصل آن مربوط به آیین دادرسی سده ۱۲ کشور انگلستان است. قاعده لزوم رسیدگی همزمان، به منظور صدور حکمی جامع، همه اشخاصی را که به نحو اساسی دینفع دعوی هستند، ملزم می‌نماید که طرف آن دعوا واقع شوند. (Mullheron, 2004: 9) آنچه در آمریکا با همه آثار و قواعد آن، تحت عنوان دعوی جمعی متداول است، تقریباً در هیچ جایی از دنیا یافت نمی‌شود. در حدی که دعوی جمعی به شکل امریکایی آن، در اروپا نیز مورد پذیرش واقع نشده است. کشورهای اروپایی در رسیدگی به دعوی پر تعداد کم ارزش دارای یک منشأ، به منظور جبران کاستی‌های نظام حقوقی خود، آیین‌های ویژه‌ای را، خصوصاً از نیمه دوم دهه قبل فراهم کرده‌اند که به‌رغم داشتن شباهت‌هایی با شکل آمریکایی آن، واجد مغایرت‌های درخور توجه است که معمولاً این روش‌ها در نوشته‌های حقوقی نویسندگان اروپایی، تحت عنوان کلی Collective Action آمده است (محسنی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۰)، اما باید متذکر شد که روش‌های مذکور، به نظر متخصصان امر، در کل نتوانسته‌اند راه به جایی ببرند و مقاصد قانونگذاران را از ایجاد آنها تحقق بخشند، مگر در موارد بسیار محدودی که رسانه‌ای شده‌اند. (Solomon, 2010: 28-)

29

مزایای دعوی جمعی

در مواردی که مطالبه خسارت از عامل زیان به دلیل نیاز به صرف وقت و هزینه زیاد از یک سو و ناچیز بودن مبلغ حاصل از جبران خسارت برای زیان‌دیده مقرون به صرفه نیست، انگیزه طرح دعوا را عقلاً از او سلب می‌نماید و این وضعیت حاشیه امنی را برای عامل زیان برای تکرار عمل زیانبار به منظور سودجویی ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، به فرض وجود انگیزه قوی هر فرد از زیان‌دیده‌ها برای طرح چنین دعوی به طور جداگانه، آن هم در وضعیتی که همه آن دعاوی از نظر نوع و وحدت منشأ و نتیجه رسیدگی همسان می‌باشند، تکلیف مراجع قضایی به رسیدگی مستقل نسبت تمامی آن دعاوی، بار مالی است بر بودجه عمومی. علاوه بر اینکه، رسیدگی به دعوی یکایک زیان‌دیدگان در دادگاه‌های جداگانه، موجب کندی و کاهش دقت در رسیدگی و نیز احتمال صدور احکام متهاافت

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد دعوی جمعی و امتیازات آن در حقوق آمریکا، رجوع کنید به: فریدون نهرینی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن»، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۴۰۰، صص ۳۸۵ تا ۳۸۸.

1. compulsory joinder

انواع دعوای جمعی

دعوای جمعی را از نظر تصریح و عدم تصریح قانونگذار به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

اول اینکه، قانونگذار در ماده ۷۴ قانون آ.د.م، صرفاً طریق ابلاغ دادخواست و ضمایم آن و سایر اوراق قضایی، در خصوص دعوای راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که دارای عده نامحصور است را ارائه می‌کند، بدون اینکه صحبتی از نوع و ویژگی‌های آن دعوای به میان آورد که ما از آنها به دعوای جمعی عام یاد می‌کنیم. دوم اینکه، قانونگذار در قوانین خاص و بنا به اهداف و مصالحی ویژه، به صورت موردی، اشکالی از دعوای جمعی را بیان کرده است که می‌توان عنوان دعوای جمعی خاص بر آنها نهاد. مانند موردی که ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک بدان تصریح دارد. ویژگی مشترک دو گروه از دعوای جمعی یادشده، عبارت است از: ۱. وجود نفع مشترک بین تمامی اعضای گروه در دعوا؛ ۲. حسب مورد نمایندگی انجمن‌های قانونی و مدنی افراد قیدشده در دادخواست از بین اعضای گروه نسبت به سایر اعضا که نامی از آنها در دادخواست به عنوان اصحاب دعوا در میان نیست. در حقوق آمریکا، از نظر حضور و عدم حضور تمامی اعضای گروه، دعوای جمعی را به دو نظام درون‌محور و نظام خروج‌محور تقسیم می‌کنند.

نظام درون‌محور^۱، شیوه‌ای است که مطابق آن، به منظور برخوردار شدن از ماحصل و نتیجه دعوا، اعضای گروه باید از قبل تعیین شده و ثبت نام هم کرده باشند، اما با وجود این، به مشارکت فعال در دعوا نیاز ندارند. بر اساس این شیوه از دعوا، هیچ فرضی مبنی بر بودن عضو گروه در دعوا، جز در صورت ثبت نام وجود ندارد. آگاه کردن اعضای گروه و تشویق و متقاعد ساختن اعضای آنها برای ثبت نام در دعوا نه تنها با تحمّل هزینه و وقت همراه است، بلکه امکان دارد که موجب خروج اعضای شرکت‌کننده از دعوا گردد، اما در طرف دیگر، همسو بودن با اصول دادرسی و ملتزم نشدن اشخاص بی-تمایل و غیر مطلع از اقامه شدن این دعوا نسبت به آثار و نتایجش، از مزایای این روش است. به نظر بعضی از حقوقدانان، در دعوای که اعضای گروه از نظر تعداد خیلی زیاد نیستند و اندازه زیان‌های وارده به هر کدام از اعضا، نسبتاً قابل اعتنا و بیشتر است، توسّل به این روش مناسب

نظر منشأ و تفاوت اصحاب آنها و لزوم رعایت این اصل. به موجب این اصل، دعوای متعدد دارای اختلاف در منشأ را نمی‌توان در دادخواست واحد طرح کرد (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۳۲۰)؛ ۴- در خصوص نحوه مطالبه خسارت جمعی در حقوق خارجی، از طریق دعوای جمعی و گروهی، گروه مطالبه‌کننده خسارت باید واجد شخصیت حقوقی و نماینده قابل شناسایی، همانند انجمن صنفی، سندیکا و کانون وکلا باشند. (Thamas, A., Dikerson & Leonord B. Austin, 2013: 56; Yazell, 1986: 304)

حال اینکه در دعوای جمعی به عنوان یک دعوای ویژه برای احقاق حق در موارد زیان جمعی، چنین شرطی در تضاد با اصل لزوم جبران خسارت و در نتیجه مانع جبران بسیاری از زیان‌های آن دسته از گروه است که فاقد شخصیت حقوقی هستند. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

ایراد دیگر این است که دعوای جمعی امکان طرح دعوای واهی به طرفیت تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان خدمات دارای حسن نیت را توسط سودجویان و فرصت‌طلبان افزایش می‌دهد. در این وضعیت، شرایط مساعد برای بازی با حیثیت تجاری تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان کالا و خدمات اخاذی از آنها مهیا می‌شود و بدین طریق، یک گروه کوچک از اشخاص، مجال می‌یابند که به منظور طرح ادعا، نسبت به حقوق اشخاص کاهل و یا بی‌ربغبت در مطالبه حق خود، از دعوای جمعی به عنوان وسیله‌ای موثر و نیرومند استفاده نمایند. (Mulheron, 2004: 53-54) همچنین، امکان سازش به موجب تبانی صورت‌گرفته بین وکلا یا نمایندگان اصحاب دعوا و استرداد دعوا در این‌گونه دعوای نیز موضوع مهمی است که دخالت قضایی را می‌طلبد. (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۲۸ و ۱۲۹) در حقوق ایران، در خصوص مقابله با دعوای جمعی واهی، همچون سایر دعوای واهی می‌شود از ضمانت اجرای مقرر ماده ۱۰۹ قانون آ.د.م و تبصره آن، مبنی بر امکان درخواست تأمین خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله استفاده کرد و در مورد تبانی در سازش و استرداد دعوا، برای مطالبه جبران خسارت، به وکلا و نمایندگان اصحاب دعوا از باب تسبیب مراجعه کرد. در حقوق آمریکا کسب درآمدهای کلان توسط وکلا از جهت وکالت در دعوای جمعی، مورد انتقاد بوده و بر همین اساس تعیین حق‌الوکاله در هر مرحله از دادرسی، با رعایت تناسب کار وکیل، توسط دادگاه تعدیل شده است.

(Beese, 2011: 9)

ثانیاً، آثار دعوا بر همگی بار می‌شود. ثالثاً، می‌توان پذیرفت که در دعوی تقابل، خواندگان دعوی اصلی جمعی به طرفیت خواهان‌ها، هر کدام از اعضای نامحضور با اطلاع از اقامه شدن و در حال رسیدگی بودن چنین دعوی، حق داشته باشند با مراجعه به دادگاه رسیدگی کننده، به صورت کتبی و یا با حضور در جلسه دادرسی، مراتب خروج خود را اعلام و بدین طریق از دعوی تقابل خارج شوند، برخلاف دعوی جمعی اصلی که خروج آنها از آن دعوا به اختیار خودشان نیست.

دعوی جمعی در اروپا

در اروپا دعوی جمعی از تنوع برخوردارند. در این مقام از بین همه آنها، می‌توان از دعوی گروهی و دعوی به نمایندگی و دعوی نمونه به شرح زیر یاد کرد، که از انواع دیگر با اهمیت‌تر هستند.

۱. دعوی گروهی^۲

در این نوع از دعوی جمعی (برخلاف دعوی جمعی «خروج محور» در آمریکا، که پس از موافقت با اقامه دعوا به نحو جمعی، تمامی اشخاص ذی‌نفع - جز در موارد درخواست صریح احد از اعضاء مبنی بر خروج از گروه - دخیل فرض می‌گردند)، طرح ادعا به صورت صریح و دخالت بی‌واسطه در دعوا برای هرکس که مدعی یا متحمل خسارت است الزامی می‌باشد و حکم صادره از دادگاه، فقط برای این اشخاص دارای اثر است، نه اشخاصی که با وجود داشتن وضع مشابه مدعیان فوق‌الاشاره، به آنها نگرویده‌اند (ورود محور). در این نوع دعوا جز اینکه با رسیدگی واحد، ادعاهای دارای مشابهت متعدد به طرفیت یک شخص، تجمیع و حل و فصل می‌شوند، نسبت به دعوی معمولی و شخصی، فاقد ویژگی متفاوت دیگری است. در حقوق کشور انگلستان برابر درخواست احد از اصحاب دعوا و یا به صوابدید دادگاه امکان اقامه دعوی گروهی وفق ماده ۱۹ قواعد آیین دادرسی مدنی محقق می‌شود. در چنین وضعیتی، دادگاه پس از موافقت (یا صلاحدید) خود، مبادرت به صدور دستور دادخواهی گروهی^۳ می‌نماید. با صدور این دستور، به منظور ثبت تعداد و اسامی خواهان‌ها به

است. (کاشانی، همان: ۱۲۹ و ۱۳۰) بعضی از حقوقدانان طرفدار دعوی گروه، روش درون محور را مصداق حقیقی دعوی گروه نمی‌دانند (Mulheron, 2004, p.30); زیرا که حضور تمامی اعضای گروه در دعوا برای محسوب شدن به عنوان یکی از اصحاب دعوا، ضرورت دارد، اگرچه نمایندگان آنها، دعوا را اداره می‌نمایند. حال اینکه این امر نکته‌ی مقابل دعوی گروهی واقعی است که در آن بنا نیست عضو گروه طرف دعوا باشد، بلکه صرفاً نتایج دعوا بر او بار می‌شود. مطلب قابل ذکر این است که برخلاف کشورهای اروپایی مانند سوئد که در آنها اقامه دعوا به شیوه درون محور دارای طرفداران زیادی است، در آمریکا طرح دعوا به این شیوه از کاربرد کمی برخوردار است (Beess, 2011: 15)، اما نظام خروج محور^۱، شیوه‌ای است که حضور تمامی اعضای گروه در دعوا، بدون اینکه از وجود آن مطلع هم باشند، مفروض است و آثار و نتایج دعوا بر آنها بار می‌شود، جز در مواردی که عدم رضایت خود به دعوا را به صورت صریح و مکتوب ابراز کرده باشند. با این عمل آنها خواهند توانست، شخصاً به طرفیت خوانده، به نحو انفرادی مبادرت به طرح دعوا نمایند، اما با توجه به اینکه دعوی جمعی قطع‌کننده مرور زمان برای طرح دعوی انفرادی آنهاست، پس این اشخاص برای طرح دعوی انفرادی خود، باید مواظب شمول مرور زمان باشند. در مواردی که به‌رغم کثرت اعضای گروه، زیان وارده به آنها خیلی کم و جزئی است، توسل به اقامه دعوی جمعی خروج محور، بهتر است، مانند دعوی مصرف‌کنندگان و شبه جرم‌های گروه. مطلب قابل ذکر در اینجا، این است که در بسیاری از موارد، انتخاب روش درون یا خروج محور، با در نظر گرفتن جمیع جوانب موجود در هر مورد، از باب اداره دعوا، منوط به تشخیص دادگاه است. (Mulheron, 2004: 33) در حقوق کشور ما، به نظر می‌رسد که ماده ۷۴ قانون آ.د.م. که با پیش کشیدن نحوه ابلاغ اختاریه دعوت به جلسه دادرسی در یک مورد خاص، تلویحاً طرح دعوا به طرفیت افراد غیر محصور از یک روستا و...، دعوی جمعی را پذیرفته، از نظام خروج محور در این نوع دعوی، تبعیت کرده است؛ زیرا که: اولاً، فرض بر حضور تمامی اعضاء در دعوا است، اگرچه از وجود آن مطلع نباشند.

2. Group Action
3. Group Litigation

1. Opt-out regime

صورت تمثیلی نموده است و برابر ماده ۲ آیین مزبور مقرر شده که آن سازمان به تقاضای مصرف‌کننده متضرر یا به تقاضای یک یا چند مصرف‌کننده در حالی که تعداد کثیری از مصرف‌کنندگان ضرر مشترکی را متحمل شده‌اند و یا با اقدام مستقل بدون تقاضای مدعی/ شاکی خصوصی مجاز به طرح دعوا / شکایت است.^۲

۳. دعوی معیار یا الگو^۳

بر اساس این روش، حکم نهایی صادره در مورد دعوی مستقل اقامه شده به وسیله یک یا چند شخص، ملاک تعیین تکلیف نسبت به دعوی مشابه دیگران به طرفیت همان خواننده قرار می‌گیرد. بنابراین رسیدگی به کلیه دعوی مشابه تا صدور حکم نهایی در دعوی معیار متوقف می‌شود. بعد از صدور حکم و مطابق آن، تصمیم‌گیری به نحو جداگانه، درخصوص یکایک دعوی مشابه به عمل می‌آید. در کشورهایی مانند اتریش و آلمان که دارای نظام حقوق نوشته‌اند، علت مطرح شدن موضوع دعوی معیار یا الگو، بنا نهادن قاعده‌ای همانند قاعده حکم ماقبل^۴ در نظام حقوقی کامن‌لا و برخوردار شدن از فوایدش در دعوی می‌باشد که موضوع آنها ورود خسارتی به اشخاص زیاد به دلیل وقوع اتفاق زیان‌باری است. با این اوصاف، شیوه کار اینگونه است که بر مینا و با رعایت جهات موضوعی و حکمی دعوی که قبلاً به عنوان الگو و معیار مورد

عنوان اطلاعات ضروری و نیز مهلت ثبت نام برای وارد شدن به دعوا، دفتر ثبت اعضای گروه ایجاد می‌گردد. بنابراین، همان‌طور که سابقاً هم اشاره شد، اشخاص مشمول رأی دادگاه در دعوی گروهی، آنهایی هستند که نامشان در دفتر مزبور ثبت شده باشد. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

۲. دعوی به نمایندگی^۱

نماینده‌گی در این نوع از دعوی جمعی، برخلاف آنچه در حقوق آمریکا است، نه فرض قانونی، بلکه واقعی و ارادی است، یعنی نمایندگی (قراردادی) برای اقامه دعوا، قبلاً از سوی اشخاص ذینفع اعطا می‌شود. در حقوق فرانسه در مواردی که به صورت استثنایی، موسوم به دعوی «از طریق نمایندگی مشترک»، اقامه دعوا جهت مطالبه منافع دیگری یا منافع جمع خاص توسط قانون تجویز شده است. (De Combles de Nayves & Javaux, 2010, p.83) پرهزینه بودن و نبود منابع مالی برای انجمن‌ها به منظور تأمین و پذیرش خطر شکست، توسل به اقامه این نوع دعوی را با اقبال بسیار کمی مواجه کرده است. (Stuyck et al, 2007: 274) غیر از استثنای فوق‌الذکر، در حقوق کشور مذکور با توجه به اینکه هر دعوا به شرطی قابل استماع است که ذی‌نفعی و اهلیت خواهان در اقامه محرز باشد، از این جهت، تلفیق در خصوص دعوی اشخاص اصولاً صورت نمی‌پذیرد و در موارد استثنایی، چنانچه مطابق قانون، در هیأت یک دعوا، رسیدگی توأم در مورد ادعاهای چند شخص انجام شود، هر خواهان به صورت استقلالی باید خواسته‌اش را طرح کند. در انتهای رسیدگی نیز، به صورت مجزا در خصوص خواسته‌های هر خواهان اتخاذ تصمیم می‌شود. نتیجه اینکه دعوی جمعی سنتی در فرانسه جایگاهی ندارد. (De Combles de Nayves & Javaux, Ibid) حقوق کشور ما نیز با دعوی به نمایندگی بیگانه نیست. در همین رابطه می‌توان به ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی استناد کرد که سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده را به طرح اقامه دعوا به عنوان مدعی مجاز کرده است و بند الف ماده ۱ آیین نامه ماده قانونی یادشده، مبادرت به توصیف سازمان قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده و هدف آن و ذکر زمینه‌های حمایت به

۲. ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد: سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوی نمایند. ترتیب آن به موجب آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیأت وزیران است. در سال ۱۳۸۴ آیین‌نامه ماده مذکور در هیأت وزیران تصویب شد. مطابق بند الف ماده ۱ این آیین‌نامه، سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کننده که از این پس سازمان نامیده می‌شوند، اعم از هر مؤسسه، شرکت یا انجمنی است که مطابق قانون یا در اجرای آن با هدف حمایت از مصرف‌کننده در زمینه‌هایی از قبیل قیمت کالا و خدمات اعم از تولیدی و وارداتی، سیستم‌های مربوط به توزیع تا مرحله مصرف، ضرر و زیان کالاهای مصرفی و خدماتی ایجاد و یا ثبت شده یا می‌شوند. ماده ۲ آیین‌نامه اذعان می‌دارد: سازمان می‌تواند در موارد زیر و به ترتیب پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه مبادرت به طرح شکایت در مراجع قضایی یا سایر مراجع صلاحیت‌دار نماید: الف) به تقاضای مصرف‌کننده متضرر. ب) به تقاضای یک یا چند مصرف‌کننده در حالی که تعداد کثیری از مصرف‌کنندگان ضرر مشترکی را متحمل شده‌اند. ج) اقدام مستقل سازمان بدون تقاضای شاکی خصوصی.

3. Test Case

4. Stare Decisis

1. Representative Action

متصرف است. در حقوق آمریکا، احراز اینکه دعوی اقامه شده، دارای شرایط دعوی جمعی است یا نه، جهت منع اقامه دعوی کذب و کم شدن انتقادات به عمل آمده از دعوی جمعی، این نوع دعوا ضرورتاً نیازمند تأیید دادگاه است. دادگاه با احراز ۱) تعداد افراد جمع؛^۲ (عمومیت؛^۳ ۳) وجود وضعیت همسان؛^۴ (۴) نمایندگی^۴ و دیگر اوضاع و احوال مؤثر پیرامون دعوا، با تأیید دعوی جمعی بنا به درخواست خواهانها، اختاریه‌ای به هزینه آنها برای انتشار در روزنامه‌های کثیرالانتشار صادر می‌نماید. در مجموع، وکلای طرفین دعوا اختاریه‌های مزبور را تنظیم می‌کنند و سپس به تأیید دادگاه می‌رسد و در آنها، به همراه معرفی اصحاب دعوا، شرح دعوا، خواسته، گروهی بودن دعوا، اشخاص واجد شرایط برای عضویت در گروه، آثار دعوا برای اعضای گروه و نحوه خارج شدن از گروه و آخرین فرصت زمانی و دیگر اطلاعات ضروری قید می‌گردد که این اطلاعات مبین جایگاه هر عضو گروه نسبت به دعوی مطروحه است. (کاشانی، ۱۳۹۱: پاراگراف اول/ ۱۳۶)

اهلیت برای طرح دعوی جمعی

می‌دانیم که در ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوا به اعتبار خواندگان و افراد غیر محصور همگروه آنها، یک دعوی جمعی است، نه از جهت خواهان. دیگر اینکه قبلاً توضیح داده شد که بنا به قاعده «ملازمه اذن در شی، اذن در لوازم آن»، خواندگان دعوی جمعی، به تبع داشتن نمایندگی قانونی در مقام دفاع، برای طرح دعوی تقابل جمعی نیز دارای نمایندگی قانونی فرض می‌شوند. حال سؤال این است که آیا در این مقام، هر یک از خواندگان مورد نظر به تنهایی و مستقلاً می‌توانند در دفاع از حقوق افراد همگروه خود اقدام به طرح دعوی تقابل نمایند یا خیر؟ به نظر می‌رسد که بتوان نمایندگی قانونی خواندگان از سوی اشخاص همگروه را به دو شکل منفرداً و مشترکاً صحیح دانست؛ زیرا در غیر این صورت- یعنی در صورت اشتراکی بودن نمایندگی در دفاع- تعلل یا امتناع بعضی از آنها در طرح دعوی تقابل جمعی، موجب محکومیت گروه می‌شود، اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا همان‌طور

رسیدگی واقع و نهایی شده، دعوی دارای جهات موضوعی و حکمی و خوانده همسان که از کمیّت بالا برخوردارند، رسیدگی می‌شوند. اضافه می‌گردد که این دعوی فاقد هرگونه الزام برای اشخاص ثالث است. (Mattil & Desoutter, 2008: 485) در حقوق کشور ما رد پای این نوع دعوا را در قانون دیوان عدالت اداری سابق، مصوب سال ۱۳۸۵ می‌توان دنبال نمود. ماده ۴۴ این قانون مقرر می‌داشت که: «هرگاه در موضوع واحدی حداقل پنج رأی مشابه از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد با نظر رئیس دیوان، موضوع در هیأت عمومی مطرح و رأی وحدت رویه صادر می‌شود. این رأی برای شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاتباع است. تبصره: پس از صدور رأی وحدت رویه، رسیدگی به شکایات وضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به تبادل لوایح انجام می‌گیرد». مفاد تبصره ماده یادشده، موجب این استنباط شده بود که بعد از صدور رأی وحدت رویه از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تمامی اشخاص (اعضای گروه) که وضعیت مشابه داشتند، می‌توانستند با تقدیم دادخواست و بدون نیاز به تبادل لوایح و به صورت رعایت نوبت، درخصوص موضوع شکایت خود، موفق به دریافت همان رأی شوند. البته شعبه دیوان عدالت اداری در رسیدگی خود باید اطمینان حاصل می‌کرد که وحدت موضوعی و حکمی بین دعوی در جریان رسیدگی و رأی وحدت رویه وجود دارد. (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) در حال حاضر قانونگذار با تصویب ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ همان مضمون و هدف را با اندکی تغییرات در تجدید بیان ماده ۴۴ قانون سابق دیوان عدالت اداری تکرار و دنبال کرده است.

شرایط اختصاصی دعوی جمعی

برای اینکه بتوان دعوی متعدد را تحت یک پرونده حقوقی، در قالب دعوی جمعی مطرح نمود، لزومی ندارد که منشأ تمامی آن دعوی واحد باشد، اما ضرورت دارد که همه آنها از نظر هدف، نحوه رسیدگی، اجرا و نتیجه یکسان و از یک نوع باشند. به عنوان مثال، دعوی خلع ید از عین مغضوب با مطالبه اجرت‌المثل مدت تصرف غاصبانه آن، با دعوی تخلیه عین مستأجره با مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف بدون مجوز بعد از انقضای مدت اجاره قابل جمع است و دلیل این امر در حکم غصب بودن تصرف به استناد فراز دوم ماده ۳۰۸ قانون مدنی است و نتیجه هر دو دعوا خروج ملک از ید

1. Numerosity
2. Commonality
3. Typically
4. Adequacy of Representation

در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیأت مدیر و یا مدیر عامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند». اما اینکه آیا دعوای مشتق را می‌توان از مصادیق دعوای جمعی محسوب نمود یا نه؟ در پاسخ باید گفت، هرچند که از نظر وجود نفع مشترک برای تمامی سهامداران شرکت و نتیجه نهایی غیرمستقیم و هدفی که قانونگذار در تصویب ماده ۲۶۷ لایحه اصلاح قانون تجارت دنبال نموده، همان هدف و یا همسو با آن است که در دعوای جمعی دنبال می‌نماید، ولی با توجه به اینکه: اولاً، شخص یا اشخاص دارای حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت، در طرح دعوای مزبور، نماینده قانونی شرکت - که دارای شخصیت حقوقی واحد و مستقل از شرکا است - تلقی شده است، نه شرکا؛ ثانیاً، فقط شخص یا اشخاص سهامدار مورد نظر، نماینده قانونی شرکت در طرح دعوا محسوب می‌شوند، نه تمامی سهامداران؛ ثالثاً، شرکت به دلیل استقلال خود از سهامدارانش در شخصیت حقوقی، ذی‌نفع مستقیم نتیجه دعوای مزبور، نه سهامداران، بنابراین به نظر می‌رسد که دعوای مشتق، از مصادیق دعوای جمعی نیست. مضاف بر رهیافت حقوق ایران با وصفی که گذشت، این نوع دعوا را در نظام-های حقوقی دیگر نیز می‌توان سراغ گرفت، اما در هر کدام با رهیافتی متفاوت. مثلاً قوانین کشور آمریکا، به طور وسیع برای شرکا حق اقامه دعوی مشتق قائل شده‌اند. حال اینکه در کشور انگلستان، دعوای شرکا به نام خود و از طرف شرکت، جز در موارد خاص و استثنائی قابل استماع نیست. با این استدلال که در دعوای مزبور، خواهان حقیقی، شرکت است، نه سهامدارانش. علت این موضع‌گیری، توسط کشور مزبور، بالا رفتن تعداد دعوای واهی به طرفیت مدیران شرکت‌ها است. (قربانی لاچوانی، ۱۳۸۶: ۲۲۹) نمایندگی قانونی (غیر قراردادی) یک یا چند شخص از دیگران، در طرح این نوع از دعوا ویژگی بارز آن در هر کشور و با هر رویکردی است.

دوم) دعوای توقف و ورشکستگی: دعوای توقف و ورشکستگی نیز به‌رغم شباهت ظاهری و ذی‌نفع بودن طلبکاران و نتیجه نهایی آن در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر، منطبق با دعوای جمعی نیست؛ چراکه اولاً، در مواردی که قانون تاجر را مکلف نموده که در مهلت ۳ روز از تاریخ وقفه در پرداخت قروض و انجام تعهدات نقدی خود،

که قبلاً بنا به مناسبت خود گفته شد، یکی از مصادیق دعوای جمعی، اقامه دعوا به نمایندگی از جمع می‌باشد که قانون، این نمایندگی را، نه به اعضاء جمع و گروه، بلکه به سازمان‌ها و نهادهای قانونی و مدنی اعطا کرده است که از طرف جمع و گروه زیان‌دیده، به طرفیت عامل ورود زیان اقامه دعوی نمایند (ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک در رابطه با حمایت از حقوق مصرف‌کننده). در چنین مواردی، به نظر نمی‌رسد که اعضای گروه، اهلیت اقامه اینگونه دعوای را چه منفرداً، چه مشترکاً و چه مجتمعاً داشته باشند. تنها چاره آنها برای مطالبه خسارت از عامل زیان، مراجعه به سازمان‌های قانونی و مدنی پیش‌بینی شده در قانون است.

هر کدام از مصرف‌کنندگان ذینفع، در کشورهای کامن‌لو، برخلاف کشورهای دارای نظام حقوق نوشته، شخصاً می‌توانند در راستای مطالبه جبران خسارت وارده به خود، اقدام به طرح دعوا نمایند. در کشورهای اخیرالذکر به طور معمول، اقامه دعوای جمعی به وسیله انجمن‌های قانونی و نهادهای حمایتی که از وابستگان به بدنه دولت هستند، به عمل می‌آید، اما نهادهای حمایتی در آمریکا، خودسرانه و به خواست خود، حق ندارند به نمایندگی از اعضای خود، در راستای مطالبه خسارت اقدام کنند، ولی اختیار دارند که در خواست صدور قرار انجام یا عدم انجام^۱ بنمایند. در فرانسه اجازه اقامه دعوای به نمایندگی، فقط به بعضی از نهادها یا انجمن‌های مخصوص شناخته‌شده، داده می‌شود. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۶)

دعوای مشابه، اما همسو با اهداف دعوای جمعی

یکم) دعوای مشتق: با این توضیح که به منظور حمایت از شرکا در قبال تخلفات و تقصیرهای مدیران شرکت سهامی، ماده ۲۷۶ قانون لایحه اصلاح قانون تجارت به شرکایی که حداقل دارای یک پنجم از سهام شرکت باشند اجازه داده است که به هزینه شخصی، به نام خود و از طرف شرکت متبوع، به طرفیت مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره، در راستای مطالبه خسارات وارده به شرکت که ناشی از تخلفات و تقصیرات آنهاست، مبادرت به طرح دعوی نمایند. این ماده مقرر می‌دارد: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند

همه زمین‌ها، ادعاها و اختلاف‌ها، و در کل، در هر موردی از اعمال حقوقی، ضمان قهری و مسئولیت مدنی که موجب ورود خسارتی اعم از زیاد یا کم، به جمعی از اشخاص زیاد وارد شود، آن مورد تحت شمول دعوی جمعی قرار می‌گیرد، غیر از حقوق مربوط به اشخاص و محجورین و امور حسبی و خانواده. در حقوق امریکا محدودیتی از جهت حوزه‌های حقوقی مشمول دعوی جمعی نیست، اما کاربرد بیشتر این دعوی مربوط به حقوق مصرف‌کنندگان، در قالب مطالبه زیان‌های ناشی از خرید کالاهای معیوب است. دعوی به نمایندگی که نوعی از اشکال آن دعوی جمعی است، در حقوق فرانسه منحصر به حقوق مربوط به مصرف‌کننده، سرمایه‌گذاری، خرید اوراق بهادار و محیط زیست است. (De Combles de Nayves & Javaux, 2010: 83)

امکان مصالحه در دعوی جمعی و اجرای گزارش اصلاحی دادگاه

اعطای سمت نمایندگی قانونی، توسط قانونگذار (مستنبط از ماده ۷۴ قانون آ.د.م) به خوانندگان مذکور در دادخواست مربوط به دعوی جمعی، نسبت به افراد غیر مذکور نامحصور، در پاسخ از دعوا، این سؤال مطرح می‌شود که این نمایندگی تا چه حد است؟ آیا خوانندگان مورد نظر حق مصالحه با خواهان، از طریق درخواست صدور گزارش اصلاحی در خصوص موضوع و خواسته دعوا را دارند یا خیر؟ در پاسخ به سؤال حدود اختیارات نمایندگی خوانندگان مذکور از خوانندگان غیر مذکور نامحصور، اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌گردد این است که حدود نمایندگی، منحصر به مواردی است که صراحتاً به نماینده تفویض می‌شود. در مورد موضوع آنچه از ماده ۷۴ قانون آ.د.م استنباط می‌شود این است که نمایندگی خوانندگان تصریح شده در دادخواست، از خوانندگان غیر محصور صرفاً محدود به پاسخ به دعوا بوده و بیش از آن نیازمند تصریح قانونی است. در مقابل این نظر شاید استدلال شود که اختیار صلح دعوا از لوازم اختیار پاسخ به دعوا نیز است، اما باید گفت در این خصوص، هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد. همچنان که وکالت در دعوا و پاسخ به آن هم الزاماً به معنای وجود اختیار در صلح دعوا نیست، مگر اینکه موکل در اعطاء وکالت بدان تصریح نماید، اما با پذیرش این نظر سؤال مهم دیگری مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه اگر خوانندگان ذکر شده در دادخواست، اصالتاً در خصوص حق خود با خواهان‌ها مصالحه نمایند، آیا نمایندگی قانونی آنها از خوانندگان غیر محصور کماکان به قوت خود باقی است یا خیر،

عرض حال ورشکستگی دهد (ماده ۴۱۳ ق.ت)، کافی است که وی بر اساس بند (الف) ماده ۴۱۵ قانون تجارت، دادخواست توقف و ورشکستگی خود را به طرفیت یک یا چند نفر از مجموع طلبکاران اقامه کند و حکم صادره در خصوص این دعوا هر چه که باشد، مؤثر در حقوق دینی تمام طلبکاران تاجر مزبور است، نه فقط تعدادی از آنها که خواننده دعوا قرار گرفته‌اند، اما باید به این نکته توجه کرد که این اثر عام ناشی از علنی و اعلامی بودن حکم ورشکستگی است، نه نمایندگی خوانندگان (طلبکاران قیدشده در دادخواست ورشکستگی) از دیگر طلبکاران؛ ثانیاً، چنانچه برابر بند (ب) ماده اخیرالذکر، حکم ورشکستگی تاجر، به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران صادر شده باشد، در نبود فرض قانونی مبنی بر نمایندگی خواهان‌ها، سایر طلبکاران حق دارند که نسبت به حکم صادره، به عنوان ثالث اعتراض نمایند تا بدین طریق با نقض حکم صادره بتوانند تمام طلب خود را از تاجر وصول کنند؛ ثالثاً، با توجه به اینکه در ورشکستگی عادی و برخلاف ورشکستگی مجرمانه، امکان انعقاد قرارداد ارفاقی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته و در نتیجه اعاده اعتبار و ادامه فعالیت تجاری او وجود دارد، پذیرش تقاضای ورشکستگی تاجر از سوی مدعی العموم بر اساس بند (ج) همان ماده از قانون تجارت راه، اصولاً باید محدود به مواردی دانست که تاجر در معرض اتهام ارتکاب جرم عمومی ورشکستگی به تقلب و یا به تقصیر است، آن هم از جهت عمل به وظیفه قانونی مبنی بر صیانت از جامعه در برابر مجرم و رفتار مجرمانه در جرایمی که جنبه عمومی دارند، و الا با انعقاد قرارداد ارفاقی، دست دادستان از تعقیب تاجر به دلیل منافات این امر با فلسفه وجودی قرارداد ارفاقی کوتاه می‌شود. غیر از این، موردی برای دخالت دادستان در امر ورشکستگی که امری مربوط به حوزه حقوق خصوصی است، وجود ندارد، مگر از باب انجام وظایفش در خصوص امور محجورین، آن هم در صورتی که ورشکستگی تاجر را از عوامل حجر او بدانیم که در واقع چنین نیست.

حوزه‌های حقوقی دعوی جمعی

با توجه به اینکه دعوی دارای تنوع بوده و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و تحولات در فعالیت‌های اقتصادی و پیشرفت صنایع و ارتباطات و خدمات، متنوع‌تر نیز می‌شوند، شاید تعیین محدوده دعوی جمعی به صورت مصداقی و انحصاری، معیار دقیقی نباشد، ولی شاید به عنوان یک قاعده بتوان گفت که در

به، به اعضای گروه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تحت نظارت دادگاه انجام می‌شود. در صورت عدم دسترسی به بعضی از اعضای گروه، در صندوق مخصوصی، از سهم آنها نگهداری به عمل می‌آید. راهکارهایی (در عمل) نیز چاره شده که اگر عضوی از اعضای گروه، بنا به هر علتی برای دریافت سهم خود مراجعه نمود، نسبت به سهم او تعیین تکلیف صورت پذیرد که استرداد آن به محکوم‌علیه، توزیع مجدد آن بین اعضای مشخص گروه و برداشت (تصاحب) آن توسط دولت از جمله راهکارهای مذکور است، اما این موضوعی اختلافی بوده و فاقد تکلیف مصرح در قوانین کشورها است. (Malheron, 1004: 431-4)

آثار حکم صادره در دعوای جمعی

آثار حکم صادره در دعوای جمعی، از این جهت که در مرحله بدوی غیر قطعی باشد یا قطعی، قابل بررسی است. در مرحله بدوی غیر قطعی، یعنی چنانچه حکم صادره در مرحله بدوی رسیدگی به دعوای جمعی قابل تجدید نظرخواهی و یا به دلیل عدم ابلاغ واقعی به خواندگان قابل واخواهی باشد، نسبت به افراد همگروه آنها نیز که نامشان در دادخواست به عنوان خواننده ذکر نشده، حسب مورد، قابل تجدید نظرخواهی و یا قابل واخواهی است. در مرحله قطعی، حکم صادره در دعوای جمعی دارای یک اثر عام است و یک اثر خاص. اثر عام بدین معنی است که حکم قطعی صادره در دعوای جمعی، اعتبار امر قضاوت شده دارد. این اثر، از این جهت عام تلقی می‌شود که ویژه حکم صادره قطعی در خصوص دعوای جمعی نیست و نسبت به عموم احکام قطعی صادره در پرونده‌های قضایی تحقق می‌یابد و موجب عدم امکان طرح مجدد آن دعوای است (بند ۵ ماده ۸۴ قانون آ.د.م). اثر خاص عبارت از این است که حکم قطعی صادره در دعوای جمعی، بر خلاف اصل نسبی بودن آرای دادگاه‌ها که مطابق آن، احکام دعوای صرفاً نسبت به کسانی که نام آنها تحت عناوین خواهان و خواننده در دادخواست ذکر شده معتبر است، در دعوای جمعی علاوه بر خواهان‌ها و خواندگان در خصوص سایر اعضای همگروه که نام آنها در دادخواست قید نگردیده نیز دارای اعتبار امر قضاوت شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

وجود دعوایی تحت عنوان دعوای جمعی دایر مدار خواندگان و اشخاص همگروه آنها یک ضرورت قضایی است و بدون آن

در صورت منفی بودن پاسخ، تکلیف دعوا نسبت به خواندگان غیر مذکور نامحصور، ادامه رسیدگی قضایی است یا به استناد بند ۲ ماده ۵۳ قانون آ.د.م صدور قرار توقیف دادخواست به دلیل عدم ذکر خواندگان در دادخواست؟ و در صورت مثبت بودن جواب خواندگان نامبرده شده از سوی خواهان‌ها، به چه انگیزه و نفعی، خود را مکلف از پاسخ از دعوا برای دیگران بدانند و مسئولانه اقدام نمایند؟

در پاسخ به همه سؤال‌های فوق می‌توان گفت که با وقوع مصالحه، نمایندگی قانونی خواندگان مزبور از خواندگان غیر مذکور در دعوا زایل می‌شود؛ زیرا که نمایندگی آنها از افراد غیر محصور هم گروه، به تبع ذی‌سمت بودن آنها در دعوا است و با وقوع صلح بین آنها و خواهان، دیگر فاقد وصف خواننده هستند و بر همین اساس نمایندگی آنها از سوی دیگر افراد همگروه زایل است و تقدیر پرونده صدور قرار توقیف دادخواست و صدور قرار رد دادخواست در صورت عدم رفع نقص اعلام مشخصات خواندگان، ظرف ۱۰ روز از زمان ابلاغ اختاریه رفع نقص است. این پاسخ از باب رعایت حقوق دفاعی افراد نامحصور مورد نظر در دادرسی قابل توجه و منطقی است. بدیهی است که این تحلیل و پاسخ در مواردی که قانون خاص، طرح دعوا از سوی چند نفر، به نمایندگی قانونی از سوی افراد نامحصور را به عنوان خواهان‌های دعوا تجویز می‌نماید، نیز صادق است.

در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز، وقوع سازش و مصالحه بعد از شروع و قبل از اتمام رسیدگی به دعوا بین اصحاب دعوا، امری معمولی و رایج است. در روند این امر، ضرورت دارد که دادگاه بنا به دلایلی، در توافقات حاصله بین آنها دخالت و نظارت نماید. بدین تمهید اولاً، امکانی فراهم شود تا آن تعداد از اعضای گروه که در دعوا مشارکت فعال ندارند، در جریان مصالحه نظرات خود را مطرح نمایند. ثانیاً، چنانچه در جریان امر، غایب باشند، از منافع آنها محافظت شود و بدین طریق خواهان‌هایی که در دعوا حضور فعال داشته‌اند، نتوانند منافع آنها را به نحو ناعادلانه دارا شوند، اما در این خصوص مطلب قابل ذکر این است که در نظام حقوقی فرانسه و اتریش زیان‌دیده‌هایی که در دعوا اصیل هستند، در امر توافق بر مصالحه دخالت می‌کنند. (Stuyck et al, 2007: 303) بنابراین، در حقوق آمریکا مصالحه در دعوای جمعی با نظارت قضایی و تأیید دادگاه صورت می‌گیرد، اما باید دید که توزیع محکوم به و مال‌الصلح میان اعضای گروه به چه نحوی صورت می‌پذیرد؟ پرداخت محکوم

پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، سال نهم، شماره ۲۲.
 سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (بهار ۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن لا و فرانسه و ایران». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱.
 کاشانی، جواد (بهار و تابستان ۱۳۸۶). «دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی». مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، سال نهم، شماره ۲۲.
 محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ شوشی‌نسب، نفیسه (پاییز ۱۳۹۱). «دعوی جمعی و نقش آنها در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۱.
 متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی.

جلد ۱. تهران: مجد.

نهرینی، فریدون (۱۴۰۰). آیین دادرسی مدنی. جلد دوم. «دعوا، شرایط اقامه و استماع آن». چاپ دوم. تهران: انتشارات گنج دانش.

Black, Henry Cambel (2009). *Black's law dictionary*. Ninth edition. west publishing Co.
 Beess, Jessica (2011). *The Future of Collective Redress in Europe: Where We Are and How to Move Forward*. Harvard Law School.
 De Combles de Nayves, (2010). *Dominique & Javaux, and Benoît*. "Chapter 14: France", in Global Legal Group, *The International Comparative Legal Guide to: Class and Group Actions 2011*. London: Global Legal Group Ltd.
 en.m.wikipedia.org, "Bill of Pease", date: 2022/ July/17.
 H. Friedenthal, Jack & Kay Kane, Mary & R. Miller, Arthur (1985). *"Civill Procedure"* west publishing. Co. ST. PAUL, MINN.
 John B. Okley & Vikram D. Amar (2009). *American Civil Procedure: A Gude to Civil Adjudication in US Coutts*. Kluwer Law International.

نمی‌توان انتظار داشت عده‌ای از آحاد جامعه که مورد تضییع حق قرار گرفته‌اند، سازوکار قانونی برای طرح بعضی از ادعاهای خود، در قالب اقامه دعوا برآیند؛ یعنی طرح دعوا به طرفیت عده‌ای کثیری که موجب ورود ضرر شده‌اند، ولی به دلیل عدم شناسایی هویت همه، در یک دعوی مدنی عادی نمی‌توان آنها را به عنوان خواننده دعوا معرفی کرد. دعوی جمعی دارای فواید و معایبی است، اما به خاطر فواید آن می‌توان از معایب آن دست شست و یا آنها را به حداقل رساند. هرچند که در دعوی جمعی اصول دادرسی به نحو کامل رعایت نمی‌گردد، ولی پذیرش آن به عنوان یک دعوا از جهت دستیابی همه آحاد جامعه به عدالت امری منطقی و ضروری است. موید صحت پذیرش چنین دعوایی، ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی است که نحوه ابلاغ اظهاریه دعوت به جلسه دادرسی خوانندگان نامحصور در یک محل را متذکر شده است.

منابع

قربانی لاجوانی، مجید (بهار و تابستان ۱۳۸۶). «دعوی مشتق: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، انگلیس و ایران». مجله L'Heureux, Nicole (1992). "Effective Consumer Access to Justice: Class Actions". *Journal of Consumer Policy*, Vol. 15.
 Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa (2008). "Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Considerations". *Butterworths Journal of International Banking and Financial Law October*, Butterworths Journal of International Banking and Financial Law October.
 Mulheron Rachael (2004). *The Class Action in Common Law Legal Systems*. A Comparative Perspective Portland: Hart Publishing.
 Russell, Tiana Leia (2010). "Exporting Class Action to the European Union". *Boston university International Law Journal*, Vol. 28.
 Solomon, Louis M. (October 2010). *European Dis-Union in Collective Redress Actions: A Failed Experiment-So Far*. *International Financial Law Review*.

Stuyck Jules et al. (2007). *An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings*. Final Report, and Leuven: Katholieke Universiteit Leuven.

Stephen, C. Yeazell (1987). *From Medieval Group Litigation the modern class Action*. New Haven Yale University Press.

Thamas, A. Dikerson & Leonord, B. Austin (2013). "Class Action in 2013". *Newyork law jornal*.

COPYRIGHTS



© 2022 by the Authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

